

دریچه

با دعوت آمریکا از روسیه، وزیر دارایی این کشور در اجلاس جی ۲۰ شرکت کرد

بازی واشنگتن علیه اروپا با کارت مسکو

نیک‌پندار |نشست وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه ۲۰ در ایالت کارولینای شمالی آمریکا برگزار شد. ایالات متحده که ریاست دوره‌ای این گروه را بر عهده دارد، برای نخستین‌بار پس از آغاز جنگ اوکراین، از آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه دعوت کرد در این نشست حضور پیدا کند. این اقدام با دیدار دوجانبه سیلوانوف و اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا همراه بود و موجی از نارضایتی را در میان مقامات اروپایی برانگیخت. پیش از این حتی حضور مجازی مقام روسی در نشست‌های مشابه با اعتراض و خروج نمایندگان غربی همراه می شد. بسنت در دیدار دوجانبه تأکید کرده آمریکا تا پایان جنگ اوکراین هیچ گونه تخفیف تحریمی یا تسهیل اقتصادی به روسیه نخواهد داد و گفت وگوها عمدتاً حول طرح صلح دونالد ترامپ برای اوکراین بوده است. ترامپ در پاسخ به پرسش‌ها درباره این دعوت گفت دوست دارد با همه کنار بیاید و یکی از دلایل موفقیتش همین توانایی کنار آمدن با همه است. آمریکا همچنین روسیه را برای اجلاس سران گروه ۲۰ در دسامبر ۲۰۲۴ در میامی دعوت کرده و مسکو این دعوت را پذیرفته، هرچند حضور شخص ولادیمیر پوتین هنوز قطعی نیست.

■ شکست غرب در منزوی کردن روسیه

این دعوت در شرایطی رخ می‌دهد که جنگ اوکراین بیش از چهار سال ادامه دارد و تلاش‌های غرب برای انزوای کامل دیپلماتیک و اقتصادی روسیه به نتیجه کامل نرسیده است. دولت ترامپ رویکردی عمل‌گرایانه‌تر و مبتنی بر مذاکره مستقیم با مسکو را دنبال می‌کند. روسیه عضو کامل گروه ۲۰ است و آمریکا به‌عنوان میزبان، حق تنظیم فهرست دعوت‌شدگان را دارد. ترامپ بارها بر ضرورت گفت‌وگو با همه طرف‌ها برای حل بحران‌ها تأکید کرده و انزوای کامل روسیه را اشتباه می‌داند. آمریکا در این نشست اولویت‌هایی مانند فشار اقتصادی بیشتر بر ایران، رشد اقتصادی جهانی و مسائل بدهی را دنبال می‌کند و حضور روسیه را بخشی از دیپلماسی چندجانبه می‌بیند. تلاش برای باز کردن کانال‌های ارتباطی با مسکو در چارچوب طرح صلح ترامپ نیز از دلایل اصلی این تصمیم است. واکنش اروپا به‌شدت منفی و نسبتاً هماهنگ بود. مقامات اروپایی از آنچه «عادی‌سازی» روابط با روسیه در حالی که جنگ اوکراین ادامه دارد تعبیر می‌کردند، ابراز نگرانی کردند. لارس کلینگیبایل، وزیر دارایی آلمان حضور سیلوانوف را ارسال پیام‌نگران‌کننده دانست و گفت انتظار داشت آمریکا روشن کند که وزیر روسی به‌عنوان میهمان عادی پذیرفته نشده است. او تأکید کرد تا زمانی که جنگ ادامه دارد هیچ‌گونه عادی‌سازی روابط ممکن نیست. اروپایی‌ها همچنان بر انزوای دیپلماتیک مسکو اصرار دارند و بسته‌های تحریمی جدیدی را در دست آماده‌سازی اعلام کرده‌اند. آن‌ها نگران‌اند این دعوت، سیگنال تضعیف اجماع غربی علیه روسیه باشد. پذیرش روسیه توسط آمریکا در این سطح، تأثیر مستقیم و فوری بر اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا ندارد، زیرا اتحادیه اروپا تحریم‌های خود را به‌طور مستقل حفظ و تقویت می‌کند. با این حال، پیامدهای غیرمستقیم آن قابل توجه است. حضور روسیه در نشست‌های چندجانبه به‌رهبری آمریکا تصویر انزوای کامل مسکو را کمرنگ می‌کند و می‌تواند انگیزه کشورهای ثالث را برای دور زدن تحریم‌ها یا کاهش همکاری را غرب افزایش دهد. اختلاف نظر آمریکا و اروپا بر سر نحوه برخورد با روسیه هماهنگی در اعمال فشار اقتصادی را دشوارتر می‌کند. اروپا امیدوار است آمریکا در بسته‌های تحریمی جدید همکاری کند، اما رویکرد مذاکره‌محور ترامپ ممکن است این همکاری را محدود کند. آمریکا تأکید کرده تا پایان جنگ، تخفیف تحریمی در کار نیست، بنابراین تحریم‌های موجود همچنان پابرجا هستند. با این حال، باز شدن کانال‌های گفت‌وگویی می‌تواند در بلندمدت فضای مذاکره برای تعدیل تدریجی تحریم‌ها را فراهم کند، به‌ویژه اگر پیشرفتی در صلح اوکراین حاصل شود.

خبر

تجمعات جهانی در حمایت از غزه

در روزهای پایانی آگوست ۲۰۲۶، مجموعه‌ای از تجمع‌ها و راهپیمایی‌های همبستگی با غزه در چندین شهر اروپا و آمریکا برگزار شد. این اقدامات عمدتاً در واکنش به تهدیدهای اخیر اسرائیل علیه پرانندن بادیادک توسط کودکان در غزه شکل گرفتند و به «اعتراضات بادیادکی» معروف شدند. معترضان با پرانندن بادیادک، حمل پرچم فلسطین و در برخی موارد شاخه زیتون، خواستار حق بازی و زندگی عادی برای کودکان غزه و پایان محدودیت‌ها شدند.

در پاریس روز شنبه ۲۹ آگوست، گروهی از حامیان فلسطین با وجود باران در نزدیکی میدان باستیل گرد آمدند و سپس به سمت فواره‌های اینوسان در مرکز شهر راهپیمایی کردند. شرکت‌کنندگان زخمیه‌های زیتون به نشانه صلح در دست داشتند، بادیادک‌هایی با طرح پرچم فلسطین به آسمان فرستادند و شعارهایی مانند «در غزه نسل‌کشی جریان دارد، ما سکوت نمی‌کنیم» سر دادند. آن‌ها همچنین خواستار آزادی زندانیان فلسطینی از جمله پزشکان شدند و برخی اعدادی روی صورت و بازوهای خود نوشتند تا به گزارش‌هایی درباره شماره‌گذاری پیشانی برخی بازداشت‌شدگان اعتراض کنند.

همان روز در استکهلم، معترضان در میدان اودن پلان تجمع کردند. این گردمهایی که به دعوت چند گروه جامعه‌مدنی برگزار شد، حملات اسرائیل به غزه و لبنان را محکوم کردند. شرکت‌کنندگان بنرهایی درباره کشته شدن غیرنظامیان، بمباران مدارس و بیمارستان‌ها و کمبود غذا حمل کردند و خواستار توقف خشونت شدند. روز یکشنبه ۳۰ آگوست در ایتالیا حدود ۲۵۰ هزار نفر در مناطق مختلف از جمله میلان، بادیادک و پرچم فلسطین تکان دادند و یک فلش موب (تجمع ناگهانی و کوتاه‌مدت) برگزار کردند. این تجمع بخشی از موج همبستگی با کودکان غزه بود. در همان روز در برلین نیز ده‌ها نفر با بادیادک و پرچم فلسطین جمع شدند تا مخالفت خود را با تصمیم‌های دولت اسرائیل اعلام کنند. در واشنگتن دی‌سی عصر همان یکشنبه، ده‌ها فعال مقابل سفارت اسرائیل حاضر شدند. آن‌ها بادیادک پرانند، پرچم فلسطین را به اهتزاز درآوردند و یادکنک‌هایی با نوشته‌های «Free Gaza» را کردند. شرکت‌کنندگان خواستار آن شدند که کودکان غزه بتوانند بدون تهدید بمباران یا حمله، به بازی و زندگی عادی بپردازند.

۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا برای عبور از پرونده‌های حل نشده پیشنهاد گذار از اجماع به رأی حداکثری را مطرح کرده‌اند

اتحادیه اروپا؛ رهایی از دام اجماع یا آغاز افتراق؟



مشترک اتحادیه در مورد بحران این کشور را وتو کرده بود. اما شاید تأسفبارتر از همه، ناتوانی اتحادیه در دفاع از مواضع اصولی خود در سازمان ملل باشد. در سال ۲۰۲۲، مجارستان مانع از آن شد که اتحادیه به‌عنوان یک نهاد، قطعنامه‌ای برای ایجاد سازوکار نظارت سازمان ملل بر سوابق حقوق بشری روسیه ارائه دهد. در نهایت، ۲۶ کشور دیگر اتحادیه مجبور شدند این قطعنامه را به‌طور مستقل و بدون حمایت نهادی اتحادیه ارائه کنند.

حالا با استناد به این تجربه سنگین از اقدامات مهمی که می‌توانست انجام شود اما پشت سد اجماع در اتحادیه اروپا باقی مانده، ۱۱ کشور امضاکننده نامه، پنج اصل را برای بهبود وضعیت پیشنهاد کرده‌اند: پایبندی به اصل همکاری صادقانه، استفاده گسترده‌تر از «خودداری سازنده» به جای وتو کامل، خودداری از ربط دادن موضوعات نامرتبط به تصمیمات سیاست خارجی، بررسی گزینه‌های موجود در معاهدات برای حرکت از اجماع به اکثریت کیفی و ارائه «دلایل حیاتی مستدل» برای هرگونه وتو.

گزینه موسوم به «بند پاسلر» در ماده ۳۱ معاهدات اتحادیه، امکان تغییر از اجماع به اکثریت کیفی را بدون نیاز به اصلاح معاهدات فراهم می‌کند. این ایده پس از جنگ روسیه علیه اوکراین به‌طور جدی مورد بحث قرار گرفته است. با این حال، برخی کشورهای کوچک از این تعبیر هراس دارند و معتقدند اکثریت کیفی، کشورهای بزرگ را بر کوچک‌ها مسلط خواهد کرد.

اما همان طور که ۱۱ کشور در نامه خود تأکید کرده‌اند «چارچوب قانونی برای هر پنج اصل از قبل وجود دارد. تنها به ما بستگی دارد که آن‌ها را به اجرا درآوریم و بدین‌وسیله سیاست خارجی خود را توسعه دهیم».

پرسش این است آیا اتحادیه اروپا پس از تجربه سال‌ها فرج شدن، سرانجام شجاعت اصلاح قاعده‌ای را خواهد یافت که خود ساخته است یا اینکه همچنان در دام اجماع گرفتار خواهد ماند؟ هرچند در هر صورت نمی‌توان منکر یک نکته مهم شد؛ زمانی که اتحادیه اروپا به‌راحتی بر سر مسائل مهم به اجماع می‌رسید گذشته و به نظر می‌رسد به آرامی وارد دوره قطب‌بندی‌ها در این اتحادیه می‌شویم.

گشایش خوشه سوم مذاکرات الحاق صربستان به اجماع برسد، با وجود اینکه کمیسیون اروپا پیش‌تر اعلام کرده بود صربستان معیارهای فنی را احراز کرده است.

این عدم توافق چنان خشم مقامات صرب را برانگیخت که الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور صربستان از شرکت در نشست اتحادیه-غرب با لکان در بروکسل خودداری کرد. نشریه بی‌ارلمان مجله در تحلیلی نوشته «اوربان گسترش اتحادیه را رگ‌وگان گرفته است» و اشاره کرده الحاق آلبانی و مقدونیه شمالی نیز سال‌ها به دلیل وتو یونان بر سر اختلاف نام مقدونیه به تعویق افتاده بود. این نمونه‌نشان می‌دهد چگونه اختلافات دوجانبه میان کشورهای عضو، می‌تواند کل فرایند گسترش اتحادیه را برای سال‌ها متوقف کند.

■ تحریم‌های بلاروس و ماجرای قبرس

در سال ۲۰۲۵، اتحادیه اروپا قصد داشت تحریم‌های جدیدی علیه مقامات بلاروس به دلیل سرکوب داخلی اعمال کند، اما قبرس با استفاده از حق وتو خود، این تحریم‌ها را مسدود کرد. دلیل قبرس چیست؟ این کشور خواهان اقدام جدی‌تر اتحادیه علیه ترکیه به دلیل حفاری برای گاز در آب‌های سرزمینی قبرس بود. به عبارت دیگر، یک پرونده کاملاً بی‌ربط به بلاروس، اجرای تحریم‌ها علیه یک رژیم سرکوبگر را متوقف کرده بود. تنها پس از مذاکرات فشرده و مداخله مستقیم رئیس‌شورای اروپا بود که قبرس از وتو خود صرف‌نظر کرد. این نمونه دقیقاً مصداق همان چیزی است که امضاکنندگان نامه ۱۱ کشور «ربط دادن تصمیمات سیاست خارجی به موضوعاتی که اساساً نامرتبط هستند» نامیده‌اند. این الگوی رفتاری-استفاده از وتو یک پرونده برای گرفتن امتیاز در پرونده‌ای دیگر-به‌قدری در سال‌های اخیر رایج شده که تحلیلگران آن را «وتو تکنیکی» نامیده‌اند.

■ ایران، ونزوئلا و سایر پرونده‌های مسدودشده

علاوه بر پرونده‌های یادشده، حوزه‌های دیگری نیز قربانی قاعده اجماع شده‌اند. در سال ۲۰۲۱، قبرس تحریم‌های علیه بلاروس را به دلیل اختلاف با ترکیه مسدود کرد. در مورد ایران، اختلافات میان کشورهای عضو موجب شده سیاست تحریمی اتحادیه عملاً از کار بیفتد. در خصوص ونزوئلا نیز ایتالیا پیش‌تر بیانییه

حتی یک کشور نسبتاً کوچک عضو نمی‌ی‌تواند با تهدید به وتو، سیاست تحریمی کل اتحادیه را تغییر دهد. نکته قابل تأمل اینکه دولت اوربان در مجارستان هر چند بارها تهدید به وتو بسته‌های تحریمی کرده، اما در نهایت تمامی ۱۸ بسته قبلی را تأیید کرد. با این حال، همین تهدیدهای مکرر کافی بود روند تصمیم‌گیری را با کندی و عدم قطعیت مواجه کند.

■ تبخ‌کنند اروپا در تقابل با اسرائیل

پرونده فلسطین و اسرائیل شاید پیچیده‌ترین نمونه از تعارض میان قاعده اجماع و الزامات بین‌المللی باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در سال ۲۰۲۴، دولت‌ها را ملزم به عدم به رسمیت‌شناسی و عدم همکاری با اشغالگری اسرائیل دانسته است. با این حال، اتحادیه اروپا در عمل نتوانسته هیچ اقدام مؤثری در این زمینه انجام دهد. در جولای ۲۰۲۵، تلاش اتحادیه برای اعمال تحریم علیه اسرائیل به دلیل فاجعه انسانی در نوار غزه، با مخالفت آلمان و ایتالیا در کمیته نمایندگان دائمی بروکسل بدون نتیجه ماند. مجارستان، جمهوری چک و ایتالیا نیز بارها تهدید کرده‌اند هرگونه تحریم علیه مقامات اسرائیلی را وتو خواهند کرد. جالب‌تر اینکه آلمان که خود از پیشگامان اصلاح قاعده اجماع در سیاست خارجی است، در مورد اسرائیل از وتو خود استفاده می‌کند. داستان تلاش برای ممنوعیت تجارت با شهرک‌های غیرقانونی اسرائیل در کرانه باختری نیز روایت مشابهی دارد. کمیسیون اروپا که در سایر موارد خواهان تصمیم‌گیری با اکثریت کیفی است، در این پرونده ناگهان به هوادار سرخست اجماع تبدیل شد تا بتواند بی‌عملی خود را توجیه کند. به گزارش ایش تایمز «پیشنهاد کمیسیون مبنی بر اینکه ناگهان آستانه تصمیم‌گیری به حمایت تمام ۲۷ دولت افزایش یابد، تلاشی کاملاً دست‌وپاچلفتی برای هدایت بحث به سمت بن‌بست است».

■ گسترش اتحادیه و پرونده صربستان

فرایند گسترش اتحادیه به غرب بالکان، یکی دیگر از حوزه‌هایی است که قاعده اجماع، آن را به بن‌بست کشانده است. در دسامبر ۲۰۲۵، شورای امور عمومی اتحادیه نتوانست بر سر

مهدی زارع | دو روز پیش، نامه‌ای به دفتر کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا رسیده که می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ این اتحادیه باشد. ۱۱ کشور عضو شامل اتریش، دانمارک، بلژیک، فنلاند، فرانسه، آلمان، لوکزامبورگ، هلند، رومانی، اسپانیا و سوئد در این نامه خواستار پایان دادن به «وتوهای مانع‌تراشانه» شده‌اند که در سال‌های اخیر اقدامات خارجی اتحادیه را فلج کرده است. امضاکنندگان در این نامه تأکید کرده‌اند «فرهنگ اجماع، منبع مهمی برای مشروعیت اتحادیه است، اما باید تضمین کنیم این فرهنگ، اقدام مشترک را تقویت می‌کند نه اینکه مانع آن شود. در غیر این صورت مشروعیت خواهیم داشت، اما قدرتی نخواهیم داشت».

■ فراوانی قابل توجه پرونده‌های نیمه‌تمام

بر اساس قوانین کنونی اتحادیه، تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی نیازمند اجماع کامل تمامی ۲۷ کشور عضو است. این بدان معناست که یک کشور واحد می‌تواند در هر زمان، دستان ۲۶ کشور دیگر را ببندد و اراده جمعی را به گروگان خواست خود بگیرد. این الگو در طول ۱۶ سال نخست‌وزیری ویکتور اوربان در مجارستان بارها تکرار شد. اوربان پیش از واگذاری قدرت در آوریل ۲۰۲۶، به‌طور منظم از حق وتو خود برای گرفتن امتیاز و پیشبرد منافع ملی مجارستان استفاده می‌کرد. اما مسئله فراتر از یک نخست‌وزیر خاص است. همان‌طور که تحلیلگران مؤسسه ورساسونگ اشاره کرده‌اند «فلج‌سازی ناشی از وتو، امتیاز یک کشور کوچک یا آشکارا مانع تراش نیست؛ بلکه پیامد ساختاری قاعده‌ای است که به هر دولتی اجازه می‌دهد اقدام مشترک اروپایی را تابع اولویت ملی خاص خود کند». در ادامه، نگاهی تاریخی به مهم‌ترین پرونده‌هایی می‌اندام که به دلیل همین قاعده اجماع، سال‌ها در بن‌بست مانده‌اند.

■ وام ۹۰ میلیارد یورویی به اوکراین

شاید مهم‌ترین نمونه فلج شدن سیاست خارجی اتحادیه، ماجرای وام ۹۰ میلیارد یورویی به اوکراین باشد. در اوایل سال ۲۰۲۶، زمانی که اوکراین برای ادامه حیات خود در برابر تهاجم روسیه به حمایت مالی فوری نیاز داشت، رهبران اتحادیه بر سر ارائه این وام به توافق شخصی رسیده بودند، اما اوربان ناگهان وتو خود را بر این طرح اعمال کرد و آن را به اختلافی کاملاً نامرتبط با موضوع اصلی-خط لوله نفت در روزا-رگز زد.

این وتو ناگهانی، بحرانی بی‌سابقه در تاریخ اتحادیه ایجاد کرد. یک کشور عضو، به بهانه‌ای که ربطی به اصل ماجرا نداشت، کمک به کشوری را که در حال جنگ بود مسدود کرد. به گزارش پلیتیکو، ناتوانی اتحادیه در گذشتن این گره مالی «فلجی سیستماتیک» را در سطح بالاترین نهادهای تصمیم‌گیرنده آشکار کرد. در نهایت و پس از ماه‌ها مذاکره و فشار دیپلماتیک، مجارستان وتو خود را لغو کرد، اما این تأخیر، هزینه‌های سنگینی برای اوکراین داشت و اعتبار اتحادیه را به عنوان یک بازیگر جهانی به‌شدت خدشه‌دار کرد. براساس گزارش یورونیوز، این تهیایی از ۴۸ موردی بود که در شورای اروپا توسط حق وتو یک کشور متوقف شد.

■ تحریم‌های روسیه و بسته نوزدهم

تحریم‌های روسیه از دیگر پرونده‌هایی است که بارها قربانی قاعده اجماع شده است. هر بسته تحریمی علیه مسکو باید به تأیید تمامی ۲۷ کشور عضو برسد و این یعنی هر کشوری می‌تواند با وتو خود، کل بسته را متوقف کند. در ژوئن ۲۰۲۶، زمانی که بسته نوزدهم تحریم‌ها علیه روسیه در دست بررسی بود، بلغارستان اعلام کرد سه اقدام خاص در این بسته-تحریم پاتریارک کیریل، مالک لوک‌اویل و تأمین‌کننده قطعات مترو صوفیه-را وتو خواهد کرد.

کمیسیون اروپا ناچار شد این سه نام را از فهرست تحریم حذف کند تا بسته نوزدهم از مسیر نیفتد، هرچند بلغارستان در نهایت از وتو کامل بسته منصرف شد. این ماجرا نشان داد

گزارش

دونالد ترامپ در واکنش به انتشار نتایج افکارسنجی‌ها در آمریکا درباره افت شدید محبوبیتش، باز هم به رسانه‌ها حمله کرد

نظرسنجی‌ها جعلی‌اند؛ رسانه‌ها فاسد

اخیر آمریکا به شمار می‌رود.

■ باتلاق سیاست خارجی و بحران اقتصادی

ریشه اصلی این سقوط آزاد را باید در دو عامل کلیدی جست‌وجو کرد: پیامدهای جنگ علیه ایران و بحران فراینده هزینه‌های زندگی. براساس نظرسنجی کوئینپیک، ۶۶ درصد از رأی‌دهندگان از نحوه مدیریت جنگ با ایران و ۶۲درصد از سیاست‌های اقتصادی وی به‌شدت ناراضی هستند. نظرسنجی رویترز نشان می‌دهد ۸۰ درصد از آمریکایی‌ها بر این باورند که این درگیری‌ها برای مدت طولانی ادامه خواهد یافت؛ بحرانی که تورم و افزایش قیمت سوخت را به سفره‌های مردم تحمیل کرده است.

■ کابوس میان‌دوره‌ای جمهوری خواهان

این کاهش بی‌سابقه محبوبیت، موجی از وحشت را در اردوگاه جمهوری خواهان در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای ایجاد کرده است. نشریه «پلیتیکو» در گزارشی با عنوان «کابوس میان‌دوره‌ای حزب جمهوری‌خواه در حال شکل‌گیری است» به سراغ پایگاه‌های سنتی این حزب در ایالت‌ها صاحب کشاورزی رفته است. سناتور «کوبین کریمر» جمهوری‌خواه ایالت داکوتای شمالی با ناامیدی در این باره می‌گوید: «او [ترامپ] در مناطق کشاورزی در دردرس جدی افتاده است... من اصلاً خوشبین نیستم». تفرقه‌های سنگین، گرانی سوخت و کود، در کنار واردات بی‌رویه گوشت، کشاورزان آمریکایی را به مرز ورشکستگی کشانده است. «جاش تورک» قانون‌گذار دموکرات در آیووا، این بحران را «آرماگدون کشاورزی» می‌نامد. در حالی که دموکرات‌ها برای به دست گرفتن کنترل سنا در ایالت‌هایی مانند آیووا و اوهایو خیز برداشته‌اند، ترامپ به جای مهار بحران، سرگرم تسویه‌حساب‌های شخصی و نام‌گذاری اماکن به نام خودش است. این انفعال سبب شده استراتژیست‌های

■ محسن فاطمی نژاد | «نظرسنجی‌های جعلی که توسط

رسانه‌های فاسد مورد استناد قرار می‌گیرند، از کنترل خارج شده‌اند و باید کاری در این باره انجام شود»؛ این واکنش شدید رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در شبکه اجتماعی‌اش در حالی که آخرین نظرسنجی‌ها در میان افکار عمومی آمریکایی، سقوط محبوبیت او را به ۳۲ درصد نشان می‌دهند، دور از انتظار نبود. برای ترامپ خودشیفته‌ای که با کلی وعده وعید، توده‌ها را برای انتخابش به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا قانع کرده بود، افشای اینکه کمتر از یک سوم آمریکایی‌ها عملکردش در این مقام را تأیید می‌کنند، باید هم دردناک باشد.

■ سقوط آزاد در نظرسنجی‌های معتبر

خشم ترامپ و حمله او به رسانه‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مؤسسه‌های افکارسنجی یکی پس از دیگری اعداد ناامیدکننده‌ای را برای کاخ سفید مخابره می‌کنند. براساس نظرسنجی جدید «دانشگاه ماساچوست امهرست» میزان محبوبیت ترامپ با رسیدن به مرز خطرناک ۳۲ درصد، رکوردی منفی ثبت کرده است و ۶۴درصد از آمریکایی‌ها از عملکرد او ناراضی‌اند. زنگ خطر اصلی برای رئیس‌جمهور، ریزش پایگاه رأی وفادار او است؛ یافته‌ها نشان می‌دهد محبوبیت وی در میان جمهوری‌خواهان از آوریل سال گذشته تاکنون ۱۴درصد کاهش یافته است.

نظرسنجی «دانشگاه کوئینپیک» نیز این عدد ۳۲درصدی را تأیید می‌کند که به معنای پایین‌ترین میزان محبوبیت ترامپ در تاریخ نظرسنجی‌های این نهاد است. یافته‌های مشترک «رویترز/ایپسوس» و «آسوشیتدپرس-تورک» (AP-NORC) نیز محبوبیت وی را روی عدد ۳۳ درصد متوقف می‌بینند. در همین حال، مرکز تحقیقات «پیو» تأکید دارد شکاف حزبی ۷۸ درصدی در زمینه عملکرد او، یکی از بی‌سابقه‌ترین دوقطبی‌های سیاسی در دهه‌های